[illegible] ریال

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۳۹۲۳۷

رده‌بندی دیویی: ۳۹۶/۹۵۵ ع۶۴۷آ ۳

سرشناسه: آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، - ۱۱۲۵ق.

عنوان قراردادی:

عنوان: عقاید النساء مشهور به کلثوم ننه

کاتب: تاریخ کتابت:

محل نشر: تهران ناشر: مطبعه علمی تاریخ نشر: [بی‌تا]

صفحه شمار: ۱۶ص.: مصور مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ۲۲×۱۷٫۵ نوع خط: نستعلیق

روش تهیه: وقفی☐ اهدایی☑ خریداری☐ ارسالی☐

توضیحات: آیة الله نخبة الفقهایی تاریخ ثبت: ۱ آبان ۱۳۸۹

یادداشتها: ۱. عنوان دیگر: کلثوم ننه

موضوع(ها): ۱. طنز فارسی - قرن ۱۲ق. ۲. خرافات - ایران - لطیفه، هجو و طنز. ۳. فرهنگ عامه - ایران - لطیفه، هجو و طنز. ۴. زنان ایرانی - آداب و رسوم و زندگی

شناسه(های) افزوده: الف. نخبة الفقهایی، محمدحسن، ۱۲۸۰ - ۱۳۶۹، اهدا کننده. ب. عنوان.

فهرستنگار: [illegible] تاریخ فهرستنگاری: آبان ۸۹

(مشهد مقدس رضوی)

هذا کتاب مستطاب عقاید النساء که مشهور است به

کلثوم ننه

در بیان اقوال و افعال واجبات و مستحبات زنان و
ترّهات و مزخرفات مکروهات و مباحات ایشان که در حقیقت
هر یک از آنها شکننده دین و در شریعت هر کدام بدعتی مبین
واجباتش حرام و مستحباتش محل انتقام به فتوای علمای خمس
که اسم مبارکشان در متن ذکر شده است و از تصنیفات

علامه فهّام جناب

آقای آقا جمال خوانساری وفقه الله الباری

بسعی و اهتمام جناب مستطاب عمدة التجار و الاعیان آقای
آقا میرزا نصر الله تاجر کتابفروش خوانساری الشهیر بمهرخوان

محل فروش در بست صحن کهنه حضرت رضا علیه السلام کتابخانه مبارکه فردوسی

در دار الخلافه طهران در مطبعه عالیه علمی سمت طبع و اختتام پذیرفت

شهرستان لار

برآینه ضمیر برادران ایمانی پوشیده نماند که این مختصری است در بیان اقوال و افعال و واجبات و مندو[بات]
زنان و محرمات و مکروهات و مباحات ایشان و این مشتمل است بر مقدمه و شانزده باب و خاتمه
مسمّی بعقاید النسا را اما مقدمه در اسامی علما و فضلا و فقها و فضیلت ایشان بدانکه افضل علمای زنان پنج نفر[ند]
اول بی بی شاه زینب دوم کلثوم ننه سوم خاله جان آقا چهارم باجی یاسمن پنجم دده بزم آرا آنچه
اقوال آنچه از اقوال ایشان بدست بیاید نهایت وثوق دارد و محل اعتماد است و بغیر از این پنج نفر
علمای بسیاری نیز هستند که ذکر ایشان موجب طول کلام میشود بدانکه هر زنیکه سنی داشته باشد و پیری
و خرافت او را دریافته باشد دیگران بافعال او وثوق تمام دارند هر زنیکه خلاف فرموده ایشان کند
آثمه و گنهکار باشد باب اول در بیان غسل و وضو و تیمم باب دوم در بیان نماز باب سوم در
بیان روزه باب چهارم در بیان نکاح باب پنجم و ششم در بیان زائیدن و اعمال آن باب
هفتم در بیان حمام رفتن باب هشتم در سازها و افعال آن باب نهم در بیان فعلها و اوقات خوب
آنها باب دهم در بیان معاشرت با زنان باب یازدهم در بیان مطبوخاتیکه میپزند و ادا
میشود باب دوازدهم در بیان تعوید بچه چشم زخم باب سیزدهم در بیان محرم و نامحرم باب
چهاردهم در بیان استجابت دعا باب پانزدهم در بیان مهمان بخانه آمدن باب شانزدهم در

در بیان صیغه خواهر خواندگی خاتمه در احکام چهارشنبه سوری باب اول در بیان وضو و غسل
و تیمم بدانکه اجماعی علمای زنان است که وضو و غسل واجب است مگر در چندین موضع وقتیکه دست حنا
یا نگار بسته باشد و گذارده باشد در اینصورت ترک وضو و غسل واجب میشود و اکثر علماء
مذکور نگار را تا سه روز ساقط میدانند و همچنان قبل از بستن نگار تا هفت روز هم است و جمعی
ساختن و بعضی هم مکروه دانسته اند و نیز در غسل هرگاه زنی جاریه در خانه داشته باشد و کسی از
خویشانهم نیستند که در خانه او در موقع رفتن بحمام کار کنند و از شوهرش اطمینان ندارد و میترسد در
نبودن او با جاریه کاری کند در اینصورت ترک غسل کند تا ماه رفع شود و کلثوم ننه تا یکهفته جایز
دانسته و برخی بیشتر و بعضی کمتر گفته اند و باجی یاسمن تا یکماه هم اجازه داده ولی در اینقول کسی
موافقت ننموده اما باحتیاط اقرب است و دیگر هرگاه لنگ زن پاره یا کهنه باشد و شوهرش
وعده کرده بگیرد مادامیکه نگرفته است غسل ساقط میباشد و اینقول اجماعی است اما خاله جان آقا
و دده بزم آرا گفته اند که زن برادر شوهرش که او را جاری میگویند لنگ نو داشته باشد
و شوهر برای او نگیرد غسل حرام و برخی مکروه دانسته و دیگر هرگاه مرد پول حمام نرساند هر و
برود و غسل واجب نیست هر چند مدت بگذرد و جمعی تا سه روز قائل شده دده بزم آرا فتوی داده
که اگر زن اطمینان دارد که بعد شوهر پول میدهد جایز است از خود بدهد و غسل کند بعد از شوهر بگیرد
ولی اینمسئله خالی از اشکال نیست باب دوم در اوقاتیکه نماز ساقط و ترک آن واجب
است اول در شبهای عروسی دوم در حضور سازنده و نقاره چی سوم در وقتیکه زن در حمام
با قوام خود یا یکی از زنهای دعا نویس را ببیند لازمست نماز را ترک کند و حالات شوهر را با دلاله
کند چهارم روزیکه پای موعظه میرود پنجم روزیکه لباس نو پوشیده مادامیکه تبرد بدل
لباسش خراب شود ششم زنیکه بعروسی رود زنیکه شوهرش در سفر مانده باشد و این نیز
جماعی است و در چند جای دیگر هم وجوب ترک نماز نوشته اند چون سندش ضعیف بود ایراد
نشد باب سوم در بیان روزه بدانکه زنان را چندین روزه واجب است اول روزه مرتضی علی

وآداب آن اینست که باید حرف نزنند و در وقت افطار بخانها رفته گدائی باین نحو که بدر
خانها قاشق بزنند و بادست دربکوبند و از وجه گدائی برنج و ماست و خرما بگیرند و بخورند و در

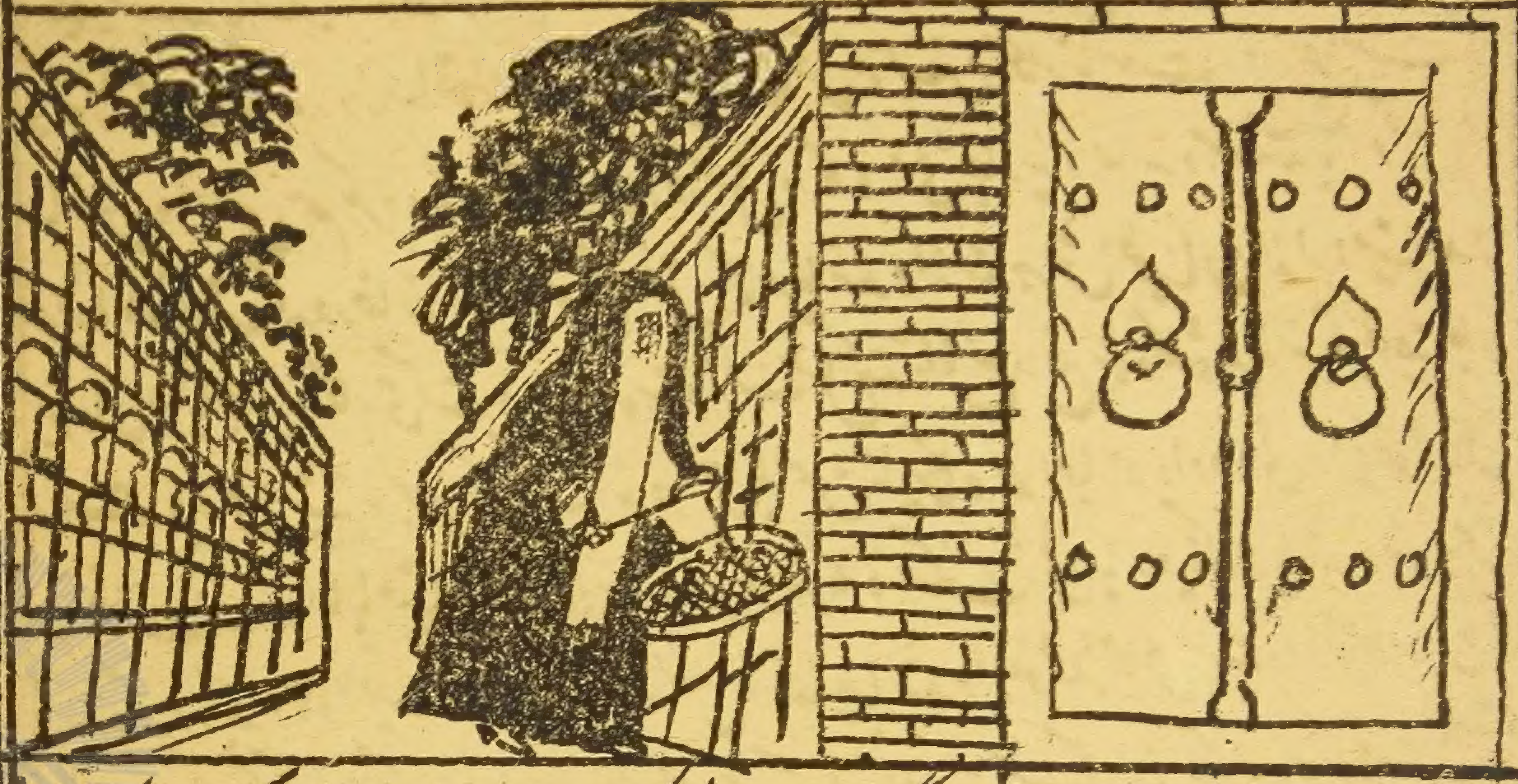

وقت عصر پابرهنه از همان اجناس گدائی چلوی طبخ کنند و شب با آنها افطار کنند و کلثوم ننه
و باجی یاسمن را اعتقاد آنستکه قاشق را بغربال بزنند و این احوط میباشد و دده بزم آرا گفته که اولی
آنستکه روزه را روز سه شنبه بگیرد و این قول اقوی است دوم روزه هفدهم ماه رجب و آن
تاظهر است و ظهر باید افطار کنند بقند و کنجد و بی بی شاه زینب گفته که باید پول قند و کنجد را از گدائی
بدهد سوم ایضا روزه مرتضی علیست و آن از وقت افطار باید از هفت خانه آب چاه بیاورد
و با آن آب افطار کنند و دو رکعت نماز هم بگذارد و بی بی شاه زینب گفته که باید از وجه گدائی
یک شمع و یک گرده بخرد و کلثوم ننه شمع را مستحب میداند و این مسئله در وجوب و استحباب خلافی
دارد و خاله جان آقا گفته که اینروز را دختر نذر کند و بگیرد که بشوهر برسد و بر سر زن دیگر که خود
باشد نزد حاجت او برآورده شود و بی بی شاه زینب و دده بزم آرا عقیده شان اینست
که از جهة گشادن بخت دختران در روز بشوهر رفتنشان باید بروند بمناره مشهور بکون برنجی
بگویند ایمنار کون برنجی حرفیت میزنم از من نرنجی میان من دسته میخواد مرد کمر بسته میخواد

وبعضی بر آنند که باید گردکان نیز از روی پله گذارد و با مقعد خود بشکند کلثوم ننه ایراد کرده
که باید باطرف بیت آنرا بشکند و اگر سرین او گوشتی باشد و ممکن نشود باید تخته بروی گردو گذارده و
سرین خود را روی تخته گذارد و بعد گردو را مت نماید بسیار مجربست **باب چهارم در**
بیان نکاح واجبست تمام بندها حتی بند زیرجامه را یکشا بیند و طشتی سرنگون گذارده و در زیر آن
چراغی بسوزانند از روغن طعام و دختر بر روی زین بنشیند و باجی یاسمن گفته هرگاه در جای
باشد که زین یافت نشود بالشی گذارند و روی آن بنشیند و قدری نبات ریزند از ارخولقا
بی بی شاه زینب آنرا واجب و دیگران مستحب میدانند و خاله جان آقا گفته گذاردن طشت
نیز بی نتیجه نباشد و دیگران گویند که نباتراقدری بایستی از جای بند ببرد که در نظر داماد بسیار
شیرین مینماید و این خالی از قوتی نیست و نیز چادر یکه داماد آورده در وقت عقد باید
بر سر عروس انداخت و اتفاقی همه علمای زنانست که هیچیک از لباسهای عروس گره
نباید باشد زیرا که گره بکارش میافتد و خاله جان آقا گفته که عروس در وقت عقد در آینه نظر
کند و دده بزم آرا میگوید در وقت عقد باید تخم مرغی را بدست بگیرد و در برخواستن آنرا رو بقبله
بدیوار زند و ننه در این مسئله اصرار دارد و نیز گفته که هر دختریکه بخواهد بختش بشوهر گشاده شود
از ابریشم سبز برادر بسوزن کشد و در حین نشستن در مجلس عقد در چادر خود فرو برد و بعد بردارد و بر
سر خود در آورد مجربست و نیز از احکام فریضه دختران قبل از شوهر کردن ترک نوره است و حرام
و از معاصی کبیره است اگر العیاذ بالله دختر قبل از رفتن بخانه شوهر نوره بکشد باجی یاسمن
گفته ازالهموها به بند انداختن بکند و دده بزم آرا بسوزانیدن قائل شده بی بی عقیده دارد
که زائل کردن مو مطلق مکروه است قبل از شوهر کردن هرچند صد سال بگذرد و باندازه مو بلند شود
که تا بزانو برسد ولی در این فتوی کسی با او توافق نظر ننموده و دیگر از مسائل مهمه عروسی
در موقع حمام بردن عروس الغلغله بخوانند که بدن و فرجش نرم و نازک باشد بمصداق گفته شاعر
زضرب الغلغله از بسکه بد صاف بسینه تو میغلطید تا ناف اخراج الغلغله ازین قسم است

کتیرای سفید ـ گل بنفشه عرق ختمی عنبری و باجی یاسمن گفته داخل کردن مشک واجب و بعضی هم
مکروه بعضی هم حرام دانسته اند و دیگر بند انداختن دختران و گریستن ایشان را کلثوم ننه مستحب
و بعضی واجب میدانند و این قول اقوی است و نیز گویند که دختران در موقعیکه حنا بستند در باب
شوهر کردن خود باید دعا کنند حاجتشان بر آورده میشود و در وقت آمدن دلاله زینت

کردن و در پشت کار نشستن که هنر دستش خود را بدلاله بنماید واجبست و بی بی پشت کار نشستن
مستحب دانسته و این باحتیاط اقربست **باب پنجم** در بیان احکام شب و روز زفاف
بدانکه گریستن عروس و مادرش در روز زفاف واجبست و داماد هم تمامی زنهائیکه در آن خانه
هستند محرم است و دده بزم آرا گفته داماد با هر زنی ملاعبت و دست بازی کند هیچ اکراه و باجی
یاسمن و سایر علما آمدن مادر عروس را قبل حرام میدانند و واجبست عروس و داماد در شب زفاف
پای راست را بر پشت پای یکدیگر گذارند و هر یک پیشتر گذارد از دیگری ساقط میشود و کلثوم ننه
میگوید اگر عروس قدم داشت بر شوهر غالب آید و اگر داماد مقدم داشت بر زن غالب گردد و
این امر مکرر بتجربه رسیده و اگر کسی عمداً ترک کند فعل حرام و از گناهان کبیره است و اگر نسیاناً
ترک شده هر وقت بخاطرش آمد قضا کند هرچند مدتی گذشته باشد و نیز واجبست که در موقع

آوردن عروس شمع عروسی در جلو روی عروس باشد و پیش از آنکه ذبح فاصله نباشد و خاله
جان آقا سه ذبح تجویز کرده و بفتوای کلثوم ننه و بی بی تمیزه سرنا و نقاره و کسانیکه از عقب عروس
که سوری نامند واجب میباشد و اهل خانه عروس دخول داماد باید بآنها شربت دهند و باجی یاسمن
فتوی این است که عروس را مادر خودش یا دلاله تسلیم کند که با شوهر حرف زند و چیزی بخورد تا شوهر چیزی
باو بخشد و اینرا در شرع دندان کلی نامند و در این مسئله هیچیک از علما اختلافی نیست و هرگاه شب زفاف
باران آمد دده بزم آرا گفته عروس تر دیک خورده و نبات بدهن یکدیگر ریختن مستحب است و در اول
نظر کردن بر بهر و احوط بلکه واجب میباشد و بی بی گوید که نقل بر سر انها ریختن از واجبات و ترک آن از
کبایر و نیز واجبست که آنهائیکه حاضرند نقل را از سر آنان بربایند از قرار احادیث ماثوره اسباب
گشایش میباشد و خاله جان آقا گفته که اگر یکدانه یا چند دانه بر سر داماد بماند هر که برباید بهر نیتی بخورد
حاجتش بر آورده شود و دایره زدن نیز واجبست و خواندن زنان بلهجه ای بلند که بادا بادا بادا
خانم مبارک بادا امشب چه شب است شب وصال است اینخانه پر از چراغ و لاله است و ابیات دیگر که ذکر آن
موجب طول کلام است بسیار است در رختخواب عروس و داماد را باید زنی بیندازد که حرف ندا
باشد و دو شوهر نکرده باشد و شوهر دوست باشد و نیز واجبست تمام زنهای حاضره در پشت
در و پنجره و گوشه و کنار بنشینند و حرکات و افعال و اقوال آنها را ببینند و بشنوند
و بعد از آن در وقت نمازها نماز را ترک نمایند و آنچه را دیده و شنیده بیکدیگر بگویند و بشنوند
و بخندند که ثواب بسیار دارد و نیز واجب است در شب عروسی مجلس در آورند و دایره زنند و
رقص کنند و ابیات فوق را بخوانند و اگر مقاربت شد و عروس باکره بوده خونی که از او
او آمده که زنان آزاد عرفشان گویند بسینی گذارده و بنظر حاضرین رسانند تا عروس
و منسوبانش سرخ رو شوند و خاله جان آقا گوید که سینی نقره باید باشد و ننه میگوید چنانچه
استطاعت دارند از طلا باشد اولی است و نیز فتوی داده که آن روز بگردش اهل و فلان بدهند
که بسر زاید در مرتبه اول و در این خلافی نیست **باب ششم** در باب احکام و اعمال

زائیدن

زائیدن زنان وادعیه وارده درباره زائو بدانکه هرگاه زنیرا درد زادن گیرد و دیر زمانی فرزند متولد نشود طریقه معالجه آن اینست که اول ما خطاب کند به بچه و اشاره کند به کس زن و بگوید ای پدر سوخته مادر قحبه بیرون بیا که همه چیزت آماده است آب بچه شست و شوی تو گرم کرده رخت از جهة تو دوخته چیزی باقی نداری زود بیرون بیا و این نیز از مجربات است و چون بچه بدنیا آمد زائو را در رختخواب بخوابانند و بچه را در نزد او بر زمین

گذارند و واجبست که اجنه در زائو را سفید آب بر روی بمالند و او را سیل دخل وار دینز بگذارند و باید زائو در رختخواب نشسته نباشد زیراکه آل ضرر میرساند و برای جلوگیری از ضرر باید شمشیر برهنه در دست گرفت و چهار دور زائو را خط کشید و در وقت خط کشیدن بخوانند مجربست خش بکشم خش میکشم خشهای خنخش میکشم در زائو در رختخواب بگوید دور ترا خش کشیدم و باید البته خش بگوید نه خط زیراکه در اخبار و احادیث وارد شده و دده برزم آرا در رساله جداگانه خود هنوشته که شمشیر برهنه را بالای سر زائو بگذارند تا در حمام رفتن او که آل ضرر نرساند و در باب ترکیب آل باتفاق کلمه علما معتقدند که او بشکل زنی است و دستهای باریک بلند دارد و پاهایش هم استخوان فقط است و گوشت هیچ ندارد و

ضعیف البنیه است و رنگ چهره اش قرمز میباشد و طینی او از گل است و این سحر درباره شناسائی او از افکار ابکارانه است رنگ او سرخ بینیش از گل هرجا دیدیش بدو بگیریش تا از زائو جگر نزند و دل این ملعون میآید جگر زائو را میدزدد و علما گفته اند تا آب نگذرد معالجه میتوان کرد که اسبی بیاورند و در دامن زائو جو ریخته بخورد مجربست و اگر از آب گذرانید دیگر معالجه نمیتوان کرد و بچه نیز شش شب باید روی زمین بخوابد و در شب هفتم خود زائو او را در گهواره گذارد و آن شب را شب خیر گویند و باید شیرینی و خشکبار حاضر کنند و ماما دست بچه را با دستمال بر پشت سرش به بندد و از آن اشیاء مذکوره اندکی به بچه بخوراند و این عبارت را هم بخصا بگوید بگیر بچه را یکی از و بگیر داده هم بدیگری بگوید بعد از آن بگوید خدا نگهدارد دده برزم آرا گوید از زنان حاضره هر یک باید چیزی بماما بدهند و لو یک زن باشد و خاله مینز باید که باید ماما گردکانی را در بالای گهواره بشکند و رو به بچه کرده بگوید صدائی میشود نترس و اگر پدر و مادر دعوا کنند نترسی و اگر سگ و کلاغ باهم صدا کنند نترسی و در وقت حمام رفتن باید زائو ریگ گرد و از زیر پای خود بشکند و نیز در وقت خوابیدن باید سه عدد پیاز در نزد او بگذارند و برخی گفته اند پنج عدد باشد بهتر است در روز حمام رفتن اینها را زائو در آب روان اندازد و دده گوید که گردوئی را که با پا شکسته باید قدری مغز شرا بخورد و نیز گوید زائو فارت باید بخورد و ننه فرموده که این قارت باید از نخود و قت باشد و خاله از چیز دیگر هم تجویز کرده و بعد از آنکه زائو از حمام بیرون آمد بفتوای باجی باید سفیدی تخم مرغ را در آرند و نبات و هل و دار چینی سایند بر او بریزند تا زائو بخورد و بعضی هفت عدد نوشته و تا نه دانه هم وارد شده و کلثوم ننه با زائو هستند باید هر کدام یک دانه بخورند که استحباب آن وارد شده و دده برزم آرا گوید که اگر از شیرینی عروسی چیزی باقیمانده باشد در سر حمام بزائیدن مستحب و جمعی گفته اند واجب است

باب هفتم در بیان اعمال حمام رفتن بدانکه اکثر علماء زنان گویند که ستر عورت جلو لازم نیست بلکه کشف آن واجب است و جماعتی را عقیده اینست که باید دو طرف باز باشد ولی اگر

ولی اگر زن لنگ نو داشته باشد باید ببندد و در وقت صابون زدن باز کند و بارهٔ از علما
این امر را واجب و برخی مستحب میدانند اجمالاً ترک نشود و بدانکه در وقت نوره کشیدن باید
زنها دور هم حلقه زنند و عورتهای خود را باز کرده و مشغول شوند و اختلاط نمایند و ننه گیس
باید حرفی که مابین خود و شوهرانشان گذشته بگویند و ماکولات که باید خورده شود زردک
و ترب را لازم و واجب دانند و خاله جان آقا گفته که خوردن ترشاله در حمام از جهت رفع درد
خوبست و باجی یاسمن گفته که خوردن کوکو و شامی و ماهی که از شب مانده باشد سنت مؤکد است
و خیار خوردن را نیز تجویز کرده اند و برخی دیگر خوردن هندوانه و آلوچه و خربزه و نارنج را مرجح
میدانند والله اعلم **باب هشتم** در بیان سازها و اعمال آن بدانکه علما همه برآنند که دایره
ثواب بسیار دارد خصوصاً حلقه دار و هرچه وسیعتر باشد ثوابش بیشتر است و واجبست در هر خانه
بوده باشد و اگر نباشد در عوضش کلثوم ننه زدن در و سینی و کرسی را تجویز کرده و اگر که هیچیک
از آنها یافت نشود هر دو دست را بهم زنند خالی از قوه نیست **باب نهم** در بیان فضیلتها و
وقتها بدانکه سیزده هم صفر و چهارشنبه آخر صفر که اصطلاحاً آنرا سوری نامند واجب میشود در
سازها و چون بلا از آسمان نازل شود بسبب آن زدن رفع میشود و در عروسیها و عیدها و حنا
بندها و آمدن مسافر و تولد فرزند در این اوقات زدن ساز واجب است و در وقت آمدن
نقاره چی نیز واجبست نقاره زدن چرا که بدون زدن شکوه ندارد و از خانه بیرون روند و خاله
فرماید که تمام زنها زود باید جمع شوند و هرگاه زنی در نماز باشد قطع کند و باجی یاسمن فرموده
که زنها واجب است بنقاره چی سلام کنند و نیز دده اینقول را صحه گذارده است کلثوم ننه در
وقت غروب آفتاب زدن نقاره را واجب میداند و باجی مستحب و اگر زنی ابتدا بکاری کرد و صدای
نقاره شنید آنکار بخوبی انجام میگیرد و آن زن از اهل بهشت است **باب دهم** در بیان معاشرت
زنان با شوهران خود و خواهرخواندگان بدانکه زن وقتی از شوهر راضی میشود که زن دیگر نگیرد و شب
و روز با او صحبت کند و هرچه امر کند زود انجام دهد و اقلاً شبی چهار مرتبه با او جماع کند و هر وقت

بمنزل میآید چیزی از جهت او خرید کند و بی بی فرماید هرگاه زن از خانه بیرون رود مرد جلو
گیری نکند و دده بزم آرا گوید که باید پول زنها داد از جهت آجیل و هرگاه مرد بد زن خورده
و خلی کند ضرری ندارد و گناهی نکرده است و نیز واجبست عروس با مادر شوهر و خواهر شوهر و زن
برادر شوهر که جاری یا یاد گویند دشمنی نماید و همچنین آنها و اگر چه ناخواسته در باطن
با او یا او با آنها دوست باشند در ظاهر باید دشمنی کنند و عروس باید هرچه مادر شوهر گوید
برخلاف رفتار نماید و او باید همیشه شکوه عروس را به پسر کند و زن باید که هرچند بتواند افترا
بخواهر شوهر بندد و هرگاه مابین آنها نزاع واقع شود گوشت بدن یکدیگر را با دندان گرفتن و کندن
واجب است خصوصاً گوشت کس یکدیگر را اگر بتوانند بگیرند بسیار ثواب دارد و اگر با چنگ هم
ممکن شود قدری موهای عانه همدیگر را بکنند بقسمی که زخم شوند بسیار ثواب دارد و اینرا
در لغت زنان لچه گویند و نیز واجبست که اگر کس زن صدمه خورده است در وقت جماع شوهر
گوید و تقصیر را بگردن خواهرش گذارد **باب یازدهم** در بیان مطبوخاتیکه نذر واجب
میشود اول سمنو و سمنو غلط است در اصل سه منو بوده صد قلیل و کثیر دارد و کم کم از کثرت
استعمال سمنو شده چنانچه خاله جان آقا و باجی یاسمن در رساله جداگانه متن و حاشیه کبیر
فرموده و نیز برخی بر آن قائلند که چون اجزاء آن مرکب از سه چیز است از این جهه سمنو
گفته شده و کلثوم ننه این قول را صحه گذارده است ولی بعقیده او سمنو پنج جزء است اجزاء آن
فتوی وجه تسمیه اول درست است و بدانکه اعظم نذورات سه چیز است اول سمنو که در هر وقت
هم میشود پخت دوم شله زرد و آنرا باید در ماه محرم پخت گرچه بعضی عقیده برهمین وقت نذر دارند
و میزانیند هر وقت بخواهند میتوانند بپزند سوم کاچی و از این سه گذشته نیز نذورات هستند
مانند حلوای سوهان و آش شله قلمکار و غیره **باب دوازدهم** در بیان تعوید چشم زخم
بدانکه مهره های کبود و سم آهو و ناخن گرگ و شاخ گربه و ننه فرماید که آن شاخ باید نقره گرفته
شود و نیز کس گربه و ذکر خر و بعضی از علما برآنند که باید از خرها خرک بزرگ باشند و جمعی گویند

هرچه بزرگتر باشد بهتر است و پارچه کبود و هفت سوراخی و باباقوری و اسفند و پلنبهٔ چهل رنگ
و کلثوم ننه میفرماید پلنبهٔ چهل رنگ باید هرکدام از جائی باشد و بخصوص از جائیکه داغ ندیده باشند
و در باب اسفند میفرمایند که سوزاندن آن در وقت غروب آفتاب و پول آن از گدائی که خرید
آن روز چهارشنبه و بی بی فرماید که در وقت خرید باید بهر دکانی که میروند بپرسند اسفند داری
استاد چون گوید بلی از آنجا بگذرد و در جای دیگر بپرسند و این بسیار موثر و مجرب است و اگر شب
جمعه بسوزانند بهتر است باعث آنکه تمام بیماریها رفع میشود و اگر بکف پا بمالند برای هر
علتی آن علت را میبرد و در وقت سوزانیدن بگوید بترکد چشم حسود و برافتد حسید و لعنت خدا
بر ... و کبر و جهود و بعد از آن اسم دشمنان خود را بگوید و از آن اسفند سوخته خالی بر پیشانی
و سر و بینی خود بگذارد آزموده است

باب سیزدهم در بیان اقسام محرم و نامحرم است کسانیکه

نامحرمند اول عمامه بسر اگرچه کوچک و کمتر از پانزده سال داشته باشد ولی عمامه هرچه بزرگتر باشد
صاحب آن بیشتر نامحرم است و طالبان علم اگر در هر لباسی باشند و دیگر علما و پیشنمازان و خدام
مساجد و روضه خوان و واعظ و تاجر و کسانیکه بحج رفته باشند دیگر مؤذن و واجبست این چند طایفه
اگر محرم نسبی هم هستند مانند شوهر یا پسر شوهر یا پسر خود و عمو و یا پسر برادر و پسر خواهر و دائی و حتی شوهر خود
باید زن از اینها بگریزد و اجتناب نماید و الا گناه کرده است اما آنانکه محرمند یهودی یراق فروش
سبزی فروش زرگر فروش بزاز پنبه عوض کن طبیب زنان دعانویس جادوگر مطرب نقاره‌چی
سرناچی عمله کلاه بسر گلوبند فروش و دده بزم آرا فرماید که اگر یهودی یراق فروش باشد و
اتفاقا او دعا نویس هم باشد بانزاره محرم است که تا هم فیها خالدون و اجتناب از فعل حرام
و جز گناهان کبیره میباشد بلکه ایمن و اگر بخانه وارد شود باید احترامات او را بجا و حاضرا
برآورد

باب چهاردهم در بیان استجابت دعای زنان و اینکه در چند جا دعای ایشان

مستجاب میشود و از کارهای لازمه اینها است اول در وقت پختن آش و رگ پختن در دیگ و نیز در
در مرغ گندم ریختن هیچ دعا رد نمیشود و در وقت زدن نقاره و دایره و تمام سازها زنها در

در موقع زدن سرنا ازین دعا غافل نمائید توکلوا علی غیر الله ان کنتم فاسقین
وان تسمعون حرف الشیطان فاسجدوا والبقرة ان کنتم ساجدین و تشتغلوا
بضرب الدف والدنبک ان کنتم عاقلین اللهم انی لا اسئلک بل سئلت
غیرک ان یعقد لسان زوجی و زوجة اخیه وامه وابیه واخته وحوالیه
وان یحفظنی من شر جمیع اعدائی سیما ما ذکر اسمهم وان یضیق اسافل
اعضائی وان یقذف محبتی فی قلب زوجی واذا مات یبلغنی عوضه فی
ساعته وفاته استجب دعائی بحق اعدائک الثقلین البیعارین البیکار
یا اصم السامعین باجی یاسمن فرماید که در وقت سوتک زدن نیز دعا مستجاب میشود
و در وقت بستن حنای عروسی دعا مستجاب میشود و در شب زفاف که باید در منزل مادر
عروس تمام زنها جمع شوند و حرفهای شیرین بزنند که مادر عروس هم خوشنود گردد
بعد دعا کنند مستجاب میشود و نیز در وقت میوه بستن و در وقت پختن آش عدسی و در وقت
عقد و تولد فرزند و در وقت آمدن مهمان بخانه ~~و در وقت آمدن مهمان بخانه~~ و بدانکه
مهمان باختیار خود تا سه روز بیشتر نمیشود بماند و نیز مهمان از در شب چهارشنبه نباید بخانه
برود که همه خیر و برکت خانه را میبرد و اگر اتفاق افتد که مجبورا شب چهارشنبه مهمان آید
باید چیزی نخورد و مراجعت بمنزل کند و اینرا در منزلها شب نشینی مینامند آنوقت واجب
میباشد که پشت سر مهمان چیزی بعنوان جا خالی بمنزل او فرستند و قدری سیب سرخ
و به و لیمو و نارنج یا شیرینی مستحب است بمنزل او روانه نمایند و کلثوم ننه میفرماید که در
خانه مهمان گل همیشه بهار و ختمی و نیلوفر را هم داخل نموده اند و در شب جمعه نیز نباید
مهمان از خانه بیرون رود چرا که خیر و برکت آنخانه را میبرد و نیز اگر مسافر وارد شب جمعه مهمان
بخانه نبرد هرچند خیر و برکت دارد ولی در اخبار اینگونه وارد نشده است اما باید جا خالی فردا
جمعه او بفرستند و باجی یاسمن فرماید ترک جا خالی نکنند که از گناهان کبیره است و در خبر آمده

که هرگاه عروسی تا سی سال از عروسیش بگذرد و مادرش زنده باشد باید چاغ الحمرا او
دستار و این قول خالی از قوت نیست اما در باب خواهرخواندگی بدانکه بر جمیع زنان لازم
خواهرخوانده داشته باشند بلکه میفرماید زنهائیکه میمیرند و خواهرخوانده ندارند چگونه امید بهشت
خواهند داشت و نیز کسانیکه در دنیا خواهرخوانده دارند اگر در دنیا هیچ عبادتی نداشته باشند در
آخرت حامی از برای او نخواهد بود و او را بحساب داخل بهشت نمایند و اگر در دنیا عمداً ترک
کنند بدانکه در وقت مرگ بدین یهود و نصاری خواهد مرد

باب پانزدهم

در بیان صیغه خواهرخواندگی بدانکه این امر باید روز عید غدیر واقع شود و در غیر این روز درست نیست و باید در یکی از امامزادها خوانده شود و زدن دایره ند الوقت [illegible] و نیز شربت باید بدهند و نیت بفتوای کلثوم ننه اینست یکی بگوید یکی شاه خیبرگیر دیگری بگوید آیا مطلب یار آمد و بپذیر آنگاه یکی بگوید فلانه و فلانه خواهرخوانده

دیگران شهادت دهند و لوازمات آنرا در وقت اجرای صیغه هر یک دوازده دستمال است
اول دستمال غمزه بند دوم دستمال عشوه بند اینها باید در وقت حال ملاقات با شوهر داشته باشند
سوم وسمه دان چهارم دستمال سرخاب پیچ پنجم دستمال سرمه ساک ششم دستمال خاشدان و اینها را
باید همیشه با خود داشته باشند هفتم دستمال آجیل بند و اینرا باید در مهمانی همراه خود داشته باشند هشتم
دستمال زلف بند نهم دستمال زنار بند دهم دستمال چکی چکی یازدهم دستمال حقه بند دوازدهم دستمال
فرق بند و اینها را هر کدام بطریقی باید ببندند که در رساله جداگانه بیاید انشاء الله بدانکه هرگاه دو زن بخواهند
خواهرخوانده بشوند باید بدون دیدن یکدیگر اول بگیرند زن معتبری که نهایت اعتماد باو داشته باشند و زنانی
او را پاسبزیکو بنده عروسچکی از مردم میان زنده ننه فرماید که عروسچک در اصل نام او عروس بوده و از کثرت
استعمال پک شده و عموم علما بر آنند که این کاف کاف تصغیر است مانند پسرک اخترک دیگر مخفی نماند خلاصه باید سینی را
پر از شیرینی کرده و عروسک را در میان آن بنهند و از زنیکه میخواهد خواهرخوانده بشود برای طرفش بفرستد و از طرف

باید یک کجک نقده که در لغت زنان گلوبند نامند بر سر عروسک ببندد از دو قاصد را انعام دهد و هرگاه
چنین رد و بدل شد یعنی رضایت طرفین است و اگر هم طرف نخواهد خواهرخوانده شود چادر سیاه بر سر انداز
باز بفرستند

باب شانزدهم

در بیان چیزهائیکه بعد از خواهرخواندگی برای یکدیگر میفرستند و ذکر
همه اینها باعث طول کلام میشود آنچه را علمای خمسه در آن اختلاف نداشته اند ما ذکر میکنیم و انها
از اینقرار است بل و دست یعنی حلوا دارم بل باز یعنی الا کم بل یکطرف پوست کنده یعنی از غم پاره پاره
شدم میخک یعنی کبابم دارچینی قوله یعنی قربانت شوم دارچینی باز کرده یعنی بیمارم چکنم چو زردرست
یعنی من از تو ام غم مخور چو زنانیده یعنی درد دارم چکنم اینرا مالیده ام تو هم بمال نبات یعنی در چشم من
شیرینی صندل یعنی همه وقت محبوبیت شیشه یعنی دل من نازک شده عناب یعنی عناب لب لعل تر [illegible]
توان گفت حرفی که بجائی نرسد چند توان گفت زعفران یعنی زردم کردی چو زعفران سوده تا چند
خورم غم ترا بیهوده انجیر چک یعنی چکی چکی فندق شور نکرده یعنی غم ترا خورده و میخورم فندق شور یعنی سراپا داغ
ترا بدل دارم فندق سر داغ کرده آتش بسرم افتاده فندق کون پهلو داغ یعنی آتش بر کونت بیفتد بادام
پوست کنده یعنی دارم بادام سفید سر بر آورده ز پوست علم خبر است من ترا دارم دوست زغال یعنی دشمن
رو سیاه شود موم یعنی از غمت مثل موم شدم کاغذ زرد یعنی دارد له گفته این زردی رنگ از فراق تو شده
و کلثوم ننه فرماید بهترین چیزها تنگ طلا است یعنی تو که از تنگ طلامی میخوری سر بر نمای عراکی بخوری

خاتمه

در بیان ادعیه و اذکار متفرقه و آداب کثیر المنفعه که یکی از آنها چهارشنبه سوری است و باید ظرفی مثل
سبو یا کوزه را پر آب کند در وقت غروب آفتاب باید از بام بکوچه اندازند و در وقت انداختن بعقب سر نگاه
نکنند که بلا بر میگردد و بعد یکقدری آتش روی آن ریزند و بعد بمقدار کمی پول سیاه پائین اندازند و آن پول باید با
فقیر بردارد باجی یاسمن میفرماید در روز عید بابا شجاع الدین چنگال خوردن ثواب عظیم دارد و هرگاه روز سه شنبه یا چهارشنبه
یا جمعه اول ماه واقع شود هر که در آن ماه بمیرد باید نمک نعش خودش را با او در قبر گذارند که در آنجا کسی از قوم وخویش نخواهد بود
بلکه خودش هم احتمال زنده شدن دارد و از جمله واجبات دوازده فتنه است که در شب یا روز بیست و هفتم ماه رمضان باید
روشن نمایند دهم حافظ باید هرگاه خروس بیوقت بخواند باید او را کشت که اگر او را نکشند صاحبش میمیرد و این خالی از قوت نیست

و زنان در مجلس تعزیه و روضه باید حاضر شوند بلکه وای بحال زنیکه توبه در جای [illegible] باشد و اگر زن حامله [illegible]
بار بچه وضع حملش شد قدم آن فرزند مبارکست و هرگاه زنی بخواهد فال گیرد در شب چهارشنبه کلید دو دندانه را بر زمین که از
نیت کند بحرف کسیکه از آنجا عبور مینماید و نتیجه را از حرف او معلوم کند و اگر مهمان آید باید در اول [illegible] آرد بریخ باو دا
بالایکه بر پشت بام رود و نیت کند هر چه بشنود خورش دهد و اگر مرد مهمان زنی باشد و شب جمعه هم باشد با مهمان بخودش دعوت کند
مهمان در خانه آنجا زد و گرد آن خوبست در شب سیم جا بر زینت و در شب سه شنبه و چهارشنبه هم جاروب کردن نفس حرامست و آنچه
باید در اول هر ماه جارو کردن خوبست و باجی یاسمن فرماید که بر هر زنی واجبست که هفته یکمرتبه و اگر ممکن نشد ماهی یکمرتبه و
اگر باز هم استطاعت نداشته باشند سالی یکمرتبه باید سمنو بخت و اگر کسی ترک کند مرتد و اگر در این عقیده سستی داشته باشد در حکم
کفر او تاملی نیست اذا ترکت المرأة طبخ السمنو اللعنة فی الدنیا والآخرة و ایضا وارد است ارحم رحمة الله امرأة ما زالت تطبخ
السمنو وکان لها استطاعة طبخه فلا فلاح لها فی الدین الی یوم القیمة و نیز دیگر احادیث در این باب بسیار دیده شد بهمین مختصر اکتفا
باجی یاسمن و [illegible] آقا فرموده و بسیاری [illegible] اختلاف ندارند که اگر زنی فندق سمنو را بخورد از تمام بلاها ایمن باشد و اگر [illegible]
هر [illegible] بکند و تخمه خربزه را باد [illegible] تخمه خوردن باید [illegible] نماند و اگر تخمه را با خود [illegible] بگویند [illegible] ثواب [illegible]
[illegible] کرد و [illegible] که اجر دارد و آتش را با بچه و [illegible] دید در میان دست و با [illegible] روغن [illegible] با [illegible] بمشرق [illegible]
با [illegible] کرا با باست [illegible] مختار [illegible] بخورد خوبست و در [illegible] نوشتن بمحبوب طلب [illegible] قربانت شوم [illegible] بدرد عشق گرفتارم [illegible]
صبحی [illegible] مدت [illegible] نمی [illegible] در مو بدین قرار [illegible] دل [illegible] هر دارید [illegible] زنار گیسو [illegible] چشم [illegible]
[illegible] ابرو و ناوک غمزه [illegible] چاه زنخدان [illegible] عرق [illegible] اینها را باید [illegible]
و بار دیگر محبت [illegible] کرد و میل [illegible] هر چند [illegible] باشم [illegible] ندارم [illegible] خدمت شما [illegible] از راه عنایت [illegible] فرمایند [illegible]
[illegible] ما کام [illegible] شما [illegible] و امید [illegible] اگر کسی خواهد که از تمام بلاها ایمن گردد این کلمات را دعا نویس [illegible] در پوست [illegible]
[illegible] فوت کرده [illegible] گذارد [illegible] گرگ [illegible] زهره [illegible] ناخن [illegible] اینها را با دعا [illegible] در [illegible] پوست بگذارد
[illegible] از جمیع آفات محفوظ باشد [illegible] بهشت [illegible] بالان [illegible] شند و این [illegible] تجربه رسیده که از [illegible]
[illegible] در صبح بخواهند تا چهل روز [illegible] و اگر [illegible] خواهد البته [illegible] شما باد [illegible] بخواند و با خود داشتن
[illegible] ثواب بسیار دارد و شرح خواص آن بسیار [illegible] و ما در این کتاب چون گنجایش نداشت مختصر کردیم کتبه محمد حسن بن [illegible] التماس دعا دارد

تمت